

## الذریعة و مؤلف آن

آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی یکی از دانشمندان بزرگ معاصر و دارای آثار نفیس و تألیفات گرانبهایی می باشند که از همه مشهورتر کتاب «الذریعة» است. مؤلف ذریعه در یازدهم ربیع الاول سال ۱۲۹۳ هجری قمری در یکی از خانه‌های نزدیک سه راه دانگی در کوی «پامنار» تهران متولد شده است پدرشان مرحوم حاج آقا علی متوفی سال ۱۳۲۴ ق از روحانیان تهران بود؛ و کتابی در تاریخ واقعه دخانیات نوشته که هم اکنون نسخه آن موجود است (نام این کتاب درج ۳ - ۲۵۲ ذریعه آمده است.)

تحصیلات مقدماتی آقا شیخ آقا بزرگ در مدرسه دانگی و پامنار و سپس در مدرسه فخریه (مروی) بعمل آمد.

ادبیات را نزد شیخ محمد حسین خراسانی و شیخ محمد معزالدولة اصول فقه را نزد سید عبدالکریم مدرس لاهیجی و سید محمد تقی تنکابنی و شیخ محمد تقی پسر حاج شیخ عباس نهاوندی منطق را نزد میرزا محمود قمی.

فقه را نزد میرزا محمد تقی گرگانی و حاج شیخ علی نوری آپلکانسی ریاضیات (حساب، هندسه، هیئت) را نیز مقداری نزد ایشان و مقداری هم در نزد میرزا ابراهیم زنجانی آموخت.

در سن بیست سالگی در سال ۱۳۱۳ هـ ق برای تکمیل تحصیلات بمراق رفت و تا سال ۱۳۲۹ در نجف بود. و در آنجا از محضر آقایان حاجی میرزا حسین نوری (متوفی ۱۳۲۰)، و ملاعلی نهاوندی و شیخ محمد طه نجف (۱۳۲۳) و آسید مرتضی کشمیری (۱۳۲۳)، حاجی میرزا حسین خلیلی (۱۳۲۶)، ملا محمد کاظم خراسانی (۱۳۲۹)، حاج سید احمد حائری طهرانی، شیخ محمد صالح آل طغان بحرانی، میرزا محمدعلی مدرس چهاردهی (۱۳۳۴)، شیخ علی خاقانی (۱۳۳۴)، سید محمد علی شاه عبد العظیمی (۱۳۳۴)، آسید محمد کاظم یزدی آمیرزا محمد تقی شیرازی، شیخ الشریعه اصفهانی (۱۳۳۹)، شیخ موسی بن جعفر کرمانشاهی، سید ابوتراب خوانساری، شیخ علی کاشف الغطاء، (۱۳۵۰)، سیدحسن صدر (۱۳۵۴)، استفاده نمود. و مخصوصاً تدریسرات درس مرحوم آخوند خراسانی را مینوشت، و از شاگردان میرزا ایشان محسوب بود. و پس از فوت ایشان در سال ۱۳۲۹ در نجف نمائده و بطرف کاظمین رهسپار گردید. در آنجا بشوق و کمک استاد اخیرشان آسید حسن صدر بتتبع و تحقیق پرداخت و بالاخره شروع بتالیف کتاب ذریعه نمود. و برای آنکه خاطر آسوده و فراغت

بیشتری داشته باشد شهر سامرا (کنار دجله در شمال بغداد) را برای سکونت انتخاب نمود.

### کتاب ذریعه

امسال سی و شش سالست که مؤلف ذریعه در زمینه جمع آوری فهرس‌هایی از تمام آثار قلمی شیعه از قدیمترین ایام تا با امروز مشغول تتبع است. مؤلف در این مدت تمام کتابخانه‌های عمومی و خصوصی عراق عرب و اغلب کتابخانه‌های مهم ایران را دیده. و سفری هم بسوریه و مصر و فلسطین و حجاز کرده. و اغلب فهرسهای کتابخانه‌های ترکیه و هند و برخی فهرسهای اروپائی را از نظر گذرانند. در سال ۱۳۵۴ هـ ق اثر نفیس خود را کامل دید و در صدد طبع و نشر آن برآمد. و بدین منظور مجل سکونت خود را از سامرا بنجف تغییر داد، و در آن جا چاپخانه‌ای بنام «مطبعة السعادة» برپا نمود تا کتاب خود را بچاپ رساند ولیکن دولت وقت عراق بنام اینکه شخص غیر عراقی نمی‌تواند چاپخانه داشته باشد مانع از عمل شد.

چون ایشان پس از مشقات زیاد چاپخانه رازیر نظر یک مسدیر مسئول عراقی قرار دادند این مرتبه دولت بیبانه‌های دیگر در چاپخانه را بست. صاحب ذریعه ناچار چاپخانه را فروخت تا مگر کتابها در چاپخانه دیگری بچاپ رساند پس از چاپ شدن جلد اول وزارت فرهنگ عراق شش ماه انتشار آنرا بیبانه‌هاییکه عمده آن فارسی بودن نام مؤلف بود بتاخیر انداخت.

باری، مجلد اول ذریعه در سال ۱۳۵۵ چاپ و در سال ۱۳۵۶ منتشر گشت. این مجلد شامل سه مقدمه است که یکی از آن خود مؤلف میباشد و سپس باصل کتاب وارد و ۲۶۰۸ کتاب را معرفی نموده است. و در ضمن آنها بیش از هشتصد اجازه از اجازات علمای شیعه ذکر شده است.

مجلد دوم ذریعه در سال ۱۳۵۶ هـ (۱۹۳۷ م) منتشر شده و در آن مقدار ۲۰۴۵ کتاب معرفی شده. درین مجلد حرف الف بیابان میرسد.

مؤلف در سال ۱۳۵۷ هـ (۱۹۳۸ م) توانست مجلد سوم از کتاب خود را در همان بنجف چاپ کند که مشتمل بر حرف باء و پای فارسی و مقداری از حرف تاء میباشد و مقدار ۲۹۱۸ کتاب در آن ذکر شده.

پیش آمد جنک و بدی اوضاع اقتصادی و گرانمای اجرت مایع بساعت تاخیر چاپ بقیه مجلدات گردید تا اینکه اخیرا در سال ۱۳۶۳ قمری مجلد چهارم ذریعه در تهران توسط فرزندش چاپ و منتشر گردید. این مجلد مشتمل بر ذکر مقدار

۲۳۰۴ کتاب است که در ضمن آن هفتصد تفسیر از تفاسیر شیعه معرفی شده است مجلد پنجم ذریعه هم در (آذر - ۱۳۲۴) از طبع خارج و در معرض استفاده عموم دانشمندان قرار داده شد. این مجلد مشتمل بر حروف ناء، جیم، جیم قیاسی میباشد و ۱۳۱۴ کتاب را معرفی نموده که در ضمن آن ۴۲۰ جواب آمده است. در این مجلد جسته جسته حواشی سودمندی از طبرف مصحح کتاب آقای علینقی منزوی فرزند مؤلف دیده میشود.

موانع رنجهای فراوان برای موفقیت خود متحمل شده است زیرا امتجاوز از سی و شش سال است که مشغول تتبع و تحقیق در کتابخانه‌های عالم میباشد و برای بدست آوردن آثار بزرگان شیعه و شرح حال دانشمندان ایران که در طی قرون گذشته آب و خاک شرق نزدیک پرورده و هریک در زمان خود ستارم درخشان عالم اسلام بوده اند، و از گوشه و کنار کتابخانه‌ها و بر پشت مجلدات کهنه و در سطوح اجازات علماء و در حواشی اوراق موربانه خورده همت فراوان و پشت کار خستگی ناپذیری بخرج داده و آنچه معلومات در اطراف آنها از مآخذ دیگر داشت بدان اضافه نمود، سپس این گنجینه کار آورده را پیاورده قسمت تقسیم و برای هر قرن از قرون هجرت یک جلد اختصاص داد (بجز سه قرن اول) و هریک از این یازده قسمت با حروف تهجی مرتب شده و دارای اسم خاصی است که در مقدمه کتاب ذریعه و هم در پشت مجلد پنجم آن کتاب فهرست و ارذ کر شده و هریک از آنها در یک یا چند مجلد برای چاپ حاضر میباشد.

از آثار دیگر مؤلف: کتابت بنام «مصفی المقال فی مصفی علم الرجال» این کتاب نفیس مشتمل است بر شرح حال متخصصین شیعه در فن تاریخ و رجال از قدیمترین ایام تا کنون، درین کتاب شرح حال قریب شصت نفر از بزرگان ذکر شده که هریک از آنان انقلابیک کتاب در رجال تألیف و نام چند شخص را زنده و جاوید نگاهداشته است.

دیگر رساله است منتخب از همان کتاب «مصفی المقال» که در تحت عنوان «المشیخه» یا «الاستاد المصفی» در سال ۱۳۵۶ ق بچاپ رسید. در این رساله فقط از کسانی اسم برده شده که در طریق روایت ایشان تا معصوم واقع شده اند. و این انتخاب کاشف از حسن سلیقه و علانته مفرط ایشان نسبت بنویسندگان رجال است. این کتاب در (ج ۳-ص ۴۹۱) ذریعه ذکر شده است. اثر دیگر ایشان رساله بیست بنام «توضیح الرشاد فی تاریخ حصر الاجتهاد» این کتاب چنانچه از نامش پیداست در تاریخ مذهب اجتهاد در فروع احکام و چگونگی پیدایش مذهب تقلید عمومی و سد باب اجتهاد بر روی بشر، و تخصیص و انحصار بدون جهت حق اجتهاد بچهار نفر در نزد اهل سنت و جماعت میباشد. این کتاب را مؤلف بنام یکی از علمای موصل که از ایشان درخواست نموده نوشته اند، و ذکرش در (ج ۴-ص ۴۹۳)

ذریعه آمده است .  
رسالة دیگر بنام «تفنید قول العوام بقدم الکلام» می‌باشد که راجع است  
یکی از مسائل کلامی متنازع فیه در دوره عباسی ، که آیا قرآن حادث است یا  
قدیم . این رساله را نیز ایشان بدرخواست همان مرد موصلی نوشته اند . و در (ج ۴  
ص ۳۶۱) ذریعه ذکر شده است .

کتاب دیگر بنام «التند اللطیف فی نفی التحریف عن القرآن الشریف» این  
کتاب را ایشان در دفاع از استاد بزرگوارش حاجی نوری صاحب «فصل الخطاب فی  
تحریف الکتاب» برشته تألیف در آورده . ایشان حاجی را از قول بتحریف بمعنی  
تغییر و تبدیل تبرئه مینماید و از طرفی تحریف بمعنی تنقیص را با اذله تاریخی اثبات  
می‌کند ، این کتاب را فرزند مؤلف آقای علینقی منزوی بترجمه فارسی ترجمه نموده است  
این کتاب وقتی برای مطالعه بدست آقای شیخ محمد حسین کاشف الغطاء می‌افتد با وجود  
علاقه دوستانه میان ایشان ضمن تقریظ مفصلی که بر پشت این کتاب نوشته نتوای  
حرمت طبع آنرا مرقوم داشته است .

و دیگر کتابیست بنام «هدیه الرازی الی المجد الشیرازی» این کتاب در  
شرح حال مرحوم میرزا محمد حسن شیرازی و چگونگی حوزه علمیه آن زمان و انتقالش از  
نجف بسامرا ، تألیف شده است .  
و آثاری هم راجع با سبب و چند تألیف و ترجمه و تألیف از کتب دیگر دارند که  
همگی بیش از سال ۱۳۲۹ قمری از قلمشان تراوش کرده است .

ما موفقیت این مرد دانشمند را در ادامه خدمات علمی خواهانیم  
«جلوه»

### ترجمه : فرق الشیعه نو بختی

بقام آقای محمد جواد مشکور

### تاریخ هدهب شیعه

— ۱۱ —

بایگه او بهرمنند توانند شد خود را بوی بستند و چون در گذشت از او  
باز گشتند .

گروهی نیز از بزرگان زیدیه که از مردمان باینش و تیز بین ایشان